

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه تبریز

دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی

گروه فلسفه

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته فلسفه غرب

عنوان

قانون و مشیت الهی در فلسفه اسپینوزا

استاد راهنما

دکتر یوسف نوظهور

استاد مشاور

دکتر سید مصطفی شهرآیینی

پژوهشگر

وحیده بویاچی

زمستان ۹۲

تقدیر:

از استاد گرامیم جناب آقای دکتر یوسف نوظهور بسیار سپاسگزارم چرا که بدون راهنماییهای ایشان تهیه این پایان نامه بسیار مشکل می نمود.

همچنین از جناب آقای دکتر شهرآیینی نیز به دلیل یاریها و راهنماییهایشان کمال تشکر و قدردانی را دارم.

نام خانوادگی دانشجو: بویاقچی نام: وحیده
عنوان پایان‌نامه: قانون و مشیت الهی در فلسفه اسپینوزا
استاد راهنما: آقای دکتر یوسف نوظهور استاد مشاور: آقای دکتر سید مصطفی شهرآیینی
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد رشته: فلسفه غرب دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی
دانشگاه: تبریز تاریخ فارغ‌التحصیلی: زمستان ۱۳۹۲ تعداد صفحه: ۱۱۰
کلید واژه‌ها: اسپینوزا، خدا، قانون الهی، طبیعت، عقل، آزادی، مشیت.
چکیده: <p>یکی از اهداف اصلی اسپینوزا در رساله الهیات و سیاست که از مهمترین آثار او به شمار می رود، ارائه تفسیری مجدد از مفهوم قانون الهی است که به اعتقاد وی توسط «نور طبیعی عقل» استنتاج می شود.</p> <p>به اعتقاد اسپینوزا هر آنچه خداوند مقرر فرموده متضمن ضرورت الهی است؛ زیرا علم خدا با اراده او یکی است و این دو صرفاً در ذهن ما از یکدیگر جدا می شود. بنابراین، آشکار است که قوانین طبیعت همان فرمان های خداوند هستند که از ضرورت و کمال ذات الهی ناشی می شوند. نیروی طبیعت فی نفسه همان قدرت خداوند است و قدرت او هم با ذاتش یکی است.</p> <p>به نظراو، قوانین به دو دسته بشری و الهی تقسیم می شوند. قانون بشری طرحی است برای زندگی که سبب می شود حیات و جامعه بشری امن گردد و مراد از قانون الهی عبارت است از آنچه که متعلق به خیراعلاست، به سخن دیگر، معرفت حقیقی خداوند و عشق به او.</p> <p>اسپینوزا احترام به قانون را امری ضروری می داند و معتقد است که انسان می تواند با تکیه بر نیروی اندیشه به شناخت قوانین الهی که همه چیز طبق آنها صورت می گیرد، آگاه شود و خود را نیز چون هر چیز دیگر، از سویی جلوه ای از خدا و از سوی دیگر تابع قانون های ازلی خداوند بشناسد. این گونه نگرش، عواطف منفعل را کاهش می دهد و به همان نسبت انسان را از اسارت آنها می رهااند و این رهایی همانا آزادی است.</p> <p>در این پایان نامه در پی آنیم که بعداز بیان کوتاه و روشن عقیده اسپینوزا، به تبیین ابعاد مختلف تفسیر وی از قانون الهی بپردازیم.</p>

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

### فصل اول: کلیات، پیشینه‌ها و زمینه‌های بحث از قانون طبیعی - الهی

۱-۱-۱ کلیات ..... ۱

۱-۱-۱-۱ اهمیت موضوع ..... ۱

۱-۱-۲-۱ سؤالات تحقیق ..... ۲

۱-۱-۳-۱ فرضیات تحقیق ..... ۲

۱-۱-۴-۱ مواد و روش تحقیق ..... ۳

۱-۱-۵-۱ نتایج موردانتظار ..... ۳

۱-۱-۶-۱ معیار ارزیابی موفقیت تحقیق ..... ۳

۱-۱-۷-۱ بررسی منابع موجود ..... ۳

۱-۲-۱ شرح مختصری از نظام فلسفی اسپینوزا ..... ۵

۳-۱-پیشینه‌های بحث از قانون طبیعی - الهی ..... ۱۴

۱-۳-۱-یونان باستان ..... ۱۴

۲-۳-۱-سوفسطائیان ..... ۱۵

۳-۳-۱-سقراط ..... ۱۶

۴-۳-۱-افلاطون ..... ۱۶

۵-۳-۱-ارسطو ..... ۱۷

۶-۳-۱-رواقیان ..... ۱۸

۷-۳-۱-توماس آکوئیناس ..... ۲۰

۸-۳-۱-عهد عتیق و ابن میمون ..... ۲۱

۹-۳-۱-فرانسیس بیکن ..... ۲۶

۱۰-۳-۱-دکارت ..... ۲۸

فصل دوم: قوانین طبیعی - الهی

- ۳۲.....۱-۲-مفهوم کلی قانون.....
- ۳۶.....۲-۲-تطبیق و هماهنگی دو مفهوم از قانون.....
- ۳۸.....۳-۲-حالات لایتناهی و قوانین طبیعی.....
- ۳۸.....۱-۳-۲-تعریف حالت.....
- ۴۰.....۲-۳-۲-ویژگی حالات لایتناهی.....
- ۴۲.....۳-۳-۲-ارتباط حالات لایتناهی با قوانین طبیعی.....
- ۴۵.....۴-۳-۲-آیا قوانین طبیعت قابل شناختند؟.....
- ۴۷.....۴-۲-خدا و طبیعت.....
- ۵۱.....۵-۲-رابطه عشق عقلانی با قانون الهی.....
- ۵۲.....۶-۲-تبیین علل غایی.....
- ۵۷.....۷-۲-ویژگی های قانون طبیعی-الهی.....
- ۵۸.....۸-۲-قوانین الهی به عنوان حقایق ازلی در علم الهی اند.....
- ۶۱.....۹-۲-قانون الهی در متون مقدس.....
- ۶۲.....۱۰-۲-قوانین مربوط به آداب و سنن دینی.....

۶۵.....۱۱-۲-قانون در جامعه

۶۸.....۱۲-۲- آزادی و ضرورت

۷۵.....۱۳-۲- تبیین اسپینوزا در خصوص معجزات

۷۵.....۱-۱۳-۲- معجزه چیست؟

۷۵.....۲-۱۳-۲- معجزه و قوانین طبیعت

۷۸.....۳-۱۳-۲- منشأ و خاستگاه اعتقاد به مفهوم معجزه

۷۹.....۴-۱۳-۲- طبیعت، تابع قانون الهی است

۸۱.....۵-۱۳-۲- قوانین حاکم بر طبیعت بهترین راه شناخت خداوند است

۸۴.....۶-۱۳-۲- معجزات در کتاب مقدس

۸۶.....۷-۱۳-۲- اراده و مشیت خداوند چیزی جز نظم و قانون طبیعت نیست

## فصل سوم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۹۱.....۱-۳- جمع‌بندی

۱۰۰.....۲-۳- نتیجه‌گیری

۱۰۱.....واژه‌نامه



فهرست منابع ..... ۱۰۸

منابع فارسی ..... ۱۰۸

منابع انگلیسی ..... ۱۱۰

## فصل اول:

کلیات، پیشینه‌ها و زمینه‌های بحث از

قانون طبیعی - الهی

## ۱-۱-۱- کلیات

### ۱-۱-۱-۱- اهمیت موضوع

مطابق دیدگاه اسپینوزا، قانون الهی ضروری و سرمدی است و جهان جریان قانون کلی و تغییرناپذیر است که نمی‌تواند به وسیله هیچ بشری یا حتی عمل الهی تغییر یابد. به عقیده او، هر چه در جهان می‌بایست بشود، شده و چیزی که تازه باشد در هستی به وجود نمی‌آید. از نظر او تغییر قوانین در زندگی بنی‌آدم، از بی‌اطلاعی و نداشتن تجربه می‌باشد و نوع بشر بر اثر این نواقص مجبور می‌شود که هر چند وقت، یکبار قوانین خود را تغییر بدهد، ولی خدا که علم و عقل مطلق دارد و همه چیز را می‌داند، هر قانونی را که وضع نموده برای همیشه وضع کرده و آن را تغییر نمی‌دهد. تغییر یک قانون از سوی خدا به منزله انکار علم و عقل از طرف خود وی می‌باشد و این ناممکن است.

به عقیده او، از آنجا که خدا نامحدود و کامل است پس باید به ضرورت عمل کند و اراده و اعمال او نمی‌توانند هدف و غایتی نهایی داشته باشند. چون اگر هر عملی هدفی داشته باشد، به معنای فقدان آن چیز قبل از آن است و اگر خدا فاقد چیزی باشد نمی‌تواند نامحدود و کامل باشد. پس خدا علت غایی جهان نیست؛ بلکه تنها علت فاعلی است و امور جهان بر پایه جبر علی استوار است نه علت غایی. بنابراین، او معتقد است که اراده خدا عبارت است از همه علل و قوانین چیزها؛ چون اراده خدا با قوانین طبیعت، امری است واحد در دو عبارت مختلف. در نتیجه تمام حادثات عالم، اعمال مکانیکی و ناشی از قوانین لایتغیری هستند و از روی هوس سلطان مستبدی که در عرش بالای ستارگان نشسته است، وضع نشده‌اند.

تبيين نسبت خدا و علم و اراده الهی با قانونمندی های جهان طبيعت مسئله ایست که اسپینوزا آن را در محور اندیشه فلسفی خویش قراردادده و آراء قابل توجهی درباره آن اظهار داشته است. اینجانب در پایان دوره کارشناسی ارشد خود اهمیت این مسئله را دریافته و آن را موضوع پایان نامه خویش قرار داده است.

### ۱-۱-۲- سئوالات تحقیق

۱- آیا اراده خداوند و نیروی طبیعت دو امر متمایز از هم و در عرض یکدیگر می‌باشند؟

۲- مطابق دیدگاه اسپینوزا، آیا معجزات و وقایع شگفت آور، تجاوز از قوانین آفرینش و طبیعت نیست؟

۳- چرا اسپینوزا معتقد است که سرنوشت جسمانی و روانی طبق قوانین طبیعت معلوم شده و هیچ انسانی آزاد

نیست که از روی تصادف رفتار کند؟

۴- از نظر اسپینوزا، آیا جبر علی حاکم بر طبیعت است یا علیت غایی؟

### ۱-۱-۳- فرضیات تحقیق

۱- در اندیشه اسپینوزا، اراده و مشیت الهی با قانون طبیعت یکسان است.

۲- قوانین الهی لایتغیرند و توسط هیچ بشری و یا عمل الهی تغییر نمی‌یابند.

۳- معجزات و وقایع شگفت آور، پدیده‌هایی خلاف قوانین طبیعت نیستند.

۴- نوعی جبر علی حاکم بر طبیعت است نه علیت غایی.

#### ۴-۱-۱- مواد و روش تحقیق

در این پژوهش که جنبه کیفی دارد، از مواد کتابخانه ای نظیر کتاب‌ها، مقالات و منابع اینترنتی استفاده کرده و به شیوه توصیفی- تحلیلی پیش خواهیم رفت.

#### ۴-۱-۵- نتایج مورد انتظار

انتظار ما این است که تحلیلی مستند، دقیق و واضح از مسائل به عمل بیاوریم و از هرگونه ابهام و کلی گویی خودداری ورزیم تا تصویری شفاف از آراء و نظرات این فیلسوف درباره موضوع مورد پژوهش ارائه دهیم.

#### ۴-۱-۶- معیار ارزیابی موفقیت تحقیق

اگر نتایج پیش بینی شده در بند قبلی به صورت روشن و مستند به دست آمده باشد، این تحقیق موفق تلقی خواهد شد و میزان توفیق آن با میزان روشن بودن و مستند بودن نتیجه گیری‌ها سنجیده خواهد شد.

#### ۴-۱-۷- بررسی منابع موجود

در این پژوهش، سعی خواهیم کرد از منابع و آثار اصلی اسپینوزا استفاده کنیم و همچنین از کتب و مقالات مرتبط با موضوع در زبانهای فارسی و انگلیسی بهره ببریم.

کتاب اخلاق که مهم‌ترین آثار اسپینوزا است و ترجمه دکتر محسن جهانگیری می‌باشد، بخش اول آن اختصاص دارد به بحث درباره خدا، قوانین الهی و قوانین طبیعت.

کتاب اسپینوزا، فلسفه الهیات و سیاست، تالیف کارل یاسپرس می‌باشد که حاوی نکاتی مفید و بسیار ارزشمند است. کتاب اسپینوزا، تالیف راجر اسکروتن، اثری است موجز و مختصر و درعین حال معتبر برای آشنایی با اندیشه‌های اسپینوزا و همچنین کتاب «عقل و وحی» و «دین و دولت» در فلسفه اسپینوزا، نوشته دکتر یوسف نوظهور که بخشهای سوم و پنجم آن اختصاص دارد به تبیین دیدگاه اسپینوزا در خصوص قانون طبیعت و مفهوم قانون الهی.

لازم به ذکر است که کتاب طرح اجمالی فلسفه اسپینوزا، تالیف ارول ای هریس نیز که توسط دکتر شهرآیینی ترجمه شده است، یکی از منابع مهم ما را تشکیل می‌دهد.

و از جمله منابع مهم انگلیسی که از آنها بهره خواهیم برد عبارت‌اند از:

*Theological-Political Treatise* که مهم‌ترین رساله اسپینوزا درباره این موضوع و یکی از متون کلاسیک فلسفه غرب می‌باشد. اسپینوزا در بخش نخست این رساله، اعتقادات مابعدالطبیعی خود را تبیین می‌نماید و فصل چهارم و ششم آن مربوط است به قانون الهی و معجزات.

کتاب *A Spinoza Reader, The Ethics and Other Works* Benedict de Spinoza نوشته

Edwin Curley تحلیلی است در مورد کتاب الهیات و سیاست اسپینوزا که بخش‌هایی از آن اختصاص دارد به قانون و مشیت الهی و خدا به عنوان قانون‌گذار.

## ۱-۲- شرح مختصری از نظام فلسفی اسپینوزا

باروخ بندیکت اسپینوزا در ۲۴ نوامبر ۱۶۳۲ میلادی در کشور هلند در شهر آمستردام در یک خانواده سرشناس هلندی که اصالتاً پرتغالی بودند به دنیا آمد. پدرش او را به مدرسه یهودیان<sup>۱</sup> سپرد تا با آموزش در حوزه دین شناسی، خاخام شود. اسپینوزا در سن ۱۶ سالگی، شاگردی استثنایی در حوزه امور دینی بود. اما یادگیری در این زمینه او را راضی نمی ساخت. به دلیل آشنایی به چند زبان، به طور مستقل به مطالعه آثار فلسفی پرداخت. در سن ۱۸ سالگی نشانه های تردید در مورد کتاب مقدس یهودیان به عنوان وحی الهی<sup>۲</sup> در او آشکار شد و به تدریج موضوع هایی چون دخالت یک خدای شخصی در امور انسانی، برگزیدگی قوم یهود از طرف خداوند و نیز حقوق ویژه روحانیون را مورد شک و پرسش قرار داد.

اسپینوزا مراسم عبادی و دینی را بی اهمیت و زاید خواند و به این نظر رسید که متن های کتاب مقدس را نباید کلمه به کلمه فهمید. از همین رو، او را در سن ۲۴ سالگی به جرم افکار انحرافی از جامعه یهودیان هلند اخراج و ورودش را به کنیسه ها ممنوع کردند. نظریاتش دشمنان زیادی برای او تراشیده بود و پس از اینکه سوء قصد به جان او نافرجام ماند، از آمستردام گریخت و گوشه گیری و انزوا پیشه کرد و خود را یکسر وقف فلسفه نمود. بنابراین، او زندگی راحت و بی دغدغه ای نداشت. طبق اسناد و مدارک تاریخی، در زندگی اسپینوزا دو گروه مذهبی با او دشمنی داشتند: گروه اول، جامعه رسمی یهودیان آمستردام که علاوه بر انکار وی، از مقامات دولتی وقت، خواستار اخراج او از شهر شدند و گروه دوم، انجمن کالونی لاهه در شهر آمستردام که افکار آزادی خواهانه وی را مغایر با آموزه های بی چون و چرای خود می دیدند (فروغی، ۱۳۶۸، صص. ۲۷-۲۸).

---

<sup>۱</sup> -Jews

<sup>۲</sup> -revelation of God

او قابلیت‌های علمی فراوانی داشت و گستره و اهمیت آثارش تا سال‌ها پس از مرگ او به طور کامل درک نشد، ولی امروزه یکی از بزرگ‌ترین خردگرایان فلسفه قرن هفدهم و زمینه ساز ظهور نقد مذهبی و همچنین عصر روشنگری در قرن هجدهم به شمار می‌رود. کتاب *اخلاق*<sup>۱</sup> در پنج بخش معروف‌ترین اثر او و *اصلاح فاهمه*<sup>۲</sup> فلسفی‌ترین آنهاست. از دیگر آثار مهم او می‌توان به شرح *اصول فلسفه دکارت* اشاره کرد که در آن به تبیین ریاضی اصول فلسفی دکارت می‌پردازد. در دو کتاب *الهیات و سیاست*<sup>۳</sup> و *سیاست*<sup>۴</sup> به تشریح مبانی سیاسی پرداخت. البته سیاست همراه با *کتب اخلاق، اصلاح فاهمه، نامه‌ها و دستور زبان عبری*<sup>۵</sup>، همگی پس از مرگ او انتشار یافتند، مرگ زود هنگامی که باعث ناتمام ماندن اغلب این آثار شد. شاید او در جمله معروفش: «این نوشته‌ها فقط بخشی از حقیقت را در بر خواهد داشت»، ناتمام ماندن آنان را پیش بینی می‌کرد.

همانگونه که می‌دانیم در قرن هفدهم، رشد نگرش‌های معتقد به علم، سراسر اروپا را در نور دیده و به یکی از مهم‌ترین ابزارهای فکری مبدل شده بود؛ از این رو اغلب فلاسفه به اصطلاح نواندیش، سعی داشتند تا با الهام از کشف قوانین علمی، نحوه تفکر نوینی را پایه گذاری کنند. باروخ اسپینوزا هم به همین ترتیب از باور رایج زمانه خویش مستثنا نبود؛ از این رو برآن شد تا دستگاهی فکری مطابق الگوهای هندسی<sup>۶</sup> بیافریند. بدین منظور، لازم دید تا هر چیزی را که براساس اندیشه دینی، غایت‌مندانانه تصور می‌شد، منحل سازد.

---

<sup>۱</sup> -Ethics

<sup>۲</sup> -the improvement of the intellect

<sup>۳</sup> -Theological Political Treaties

<sup>۴</sup> -Political Treaties

<sup>۵</sup> -Hebrew Grammar

<sup>۶</sup> -geometric patterns



اما آنچه اسپینوزا جایگزین این جهان بینی غایتمندانه می‌کند (برخلاف تصور برخی)، به هیچ رو، نگرشی مادی و یا به اصطلاح «مادی‌گرا»<sup>۱</sup> نیست؛ بلکه همانگونه که خواهیم دید، نگرشی عمیقاً دینی - اخلاقی است که ظاهراً براساس ضرورت زمانه ای که به کشف قوانین علم جدید راه یافته، مشتاق مشارکت در این دستاورد علمی است.

همانطور که اشاره شد، اسپینوزا در پی آن بود که با بهره‌گیری از روش هندسه اقلیدسی در فلسفه، به نظام فلسفی خود بسنده ای مبتنی بر استدلال استنتاجی<sup>۲</sup> دست یابد. البته میزان توفیق اسپینوزا در دستیابی به این هدف، بواسطه نقدهایی که بعدها به نظام فلسفی وی وارد آمد با تردید روبرو شد؛ اما به هرروی بخش عمده ای از طرح جامع فلسفی‌اش که تبیین کامل همه چیز را دنبال می‌کرد، تحسین فیلسوفان و فلسفه پژوهان بسیاری را برانگیخت (پارکینسن، ۱۳۸۱، ص. ۲۰۷).

همانطور که می‌دانیم هیچ فیلسوفی نمی‌تواند فارغ از زمان و مکان خویش زندگی کرده، به تفکر پردازد. عوامل بسیاری بر زندگی و فکر فیلسوف اثر می‌گذارد. اسپینوزا نیز از این قاعده مستثنا نبود. در آموزه های فلسفی اسپینوزا، نوآفرینی فکری قابل ملاحظه ای وجود دارد، ولی شواهدی نیز دال بر تأثر او از تفکر عارفان یهودی (به ویژه عارفان قبلائی)، متفکران رنسانس (نظیر برونو)، اندیشه های رواقی، ابن میمون و بالاخره دکارت یافت می‌شود.

اسپینوزا تحت نفوذ فلسفی دکارت بود، اما در تأملات متافیزیکی خود تلاش می‌کرد بر ثنویت دکارتی چیره گردد و خدا، روح و ماده را در پیوندی واحد به اندیشه درآورد. خدا برای اسپینوزا، خدایی آن جهانی نیست که

---

<sup>۱</sup> -materialist

<sup>۲</sup> -deductive reasonings

جهان را از نیستی آفریده باشد. جهان ناآفریده است، نه آغازی داشته و نه پایانی برای آن در نظر گرفته شده است. جهان برای اسپینوزا، خدای جاودانی و به عبارت دیگر، صورت پدیداری الوهیت است. برای وی، خدا و طبیعت و جوهر اینهمانند<sup>۱</sup>. این عالی‌ترین مفهوم متافیزیک اسپینوزاست. خدا در نظر او هرچیز و همه چیز است و از هر لحاظ بنگریم، نامتناهی است. بدین ترتیب، اسپینوزا کسی است که به وحدت وجود اعتقاد راسخ دارد (استراترن، ۱۳۷۹، ص. ۶۴).

او معتقد است از میان صفات بی شمار جوهر سرمدی، تنها دو صفت بعد<sup>۲</sup> و فکر<sup>۳</sup> متعلق شناخت ما انسان‌ها قرار می‌گیرند. و جهان نیز چیزی جز تعیین این دو صفت نیست. براین اساس، همه موجودات، تجلیات صفات گوناگون جوهر تلقی می‌شوند. به عبارت دیگر، در نظام حالتی اسپینوزا، موجودات همان تعیینات جوهر به شمار می‌روند؛ از این رو جسم و نفس حقیقت واحدی هستند به دو اعتبار: جسم، تعیین صفت بعد جوهر است و نفس، تعیین صفت فکر آن. بنابراین در نگاه اسپینوزا، نفس نمود درونی بدن، و بدن، نمود بیرونی نفس است (Pollock, ۱۸۹۹, P. ۸۱).

دکارت می‌خواست تمام جهان مادی را به جز خدا و ارواح انسانی با قوانین مکانیکی و ریاضی تفسیر کند. این موضوع نظر اسپینوزا را جلب کرد. اما اسپینوزا فراتر از این رفت. زیرا می‌خواست روش مکانیکی را نه تنها در مورد جهان مادی، بلکه در مورد خدا، روح و حتی رفتار و اعمال انسان هم تعمیم دهد و آن را در متافیزیک

---

<sup>۱</sup> -identical

<sup>۲</sup> -extention

<sup>۳</sup> -thought

و اخلاق هم بکار برد. به همین دلیل شاهکارش، کتاب/اخلاق را به روش هندسی تألیف کرده است و تمامی آن شامل تعاریف، اصول متعارفه<sup>۱</sup>، قضایا و براهین است.

اما قبل از آن که به نگرش آزادمنشانه اسپینوزا در کتاب/اخلاق بپردازیم، لازم است هرچند به طور اجمال به نظریات وی در باب اخلاق سیاسی نگاهی بیندازیم. نظریاتی که دورانت عیناً آنها را در کتاب خویش آورده است. وی با توجه به شرایط تاریخی - اجتماعی زمانه خویش می‌گوید:

... در خصوص مذهب وضع به صورت دیگری است. چون به سادگی و به حقیقت، اخلاق از حوزه قانون و اختیار

دولتی بیرون است. سادگی و حقیقت و راستی اخلاق با قید قانونی و اختیار دولتی به وجود نمی‌آید. در این دنیا هیچ

کس را نمی‌توان با فشار و زور قانون به سعادت رساند. پند و اندرز صادقانه و برادرانه به تحصیلات سالم و از همه

مهم‌تر استفاده آزاد از داوری فردی وسایل لازم این تکامل‌اند. هر فردی می‌تواند از برترین حق و اختیار داوری آزاد

برخوردار باشد و دین را برای خود تبیین و تعبیر کند (دورانت، ۱۳۷۱، ص. ۷۱۸).

وانگهی او معتقد بود که مردم دچار بدفهمی و سوء تعبیراتی هستند که ناشی از نحوه اندیشیدن خطا آمیز و نادرستی است که ناآگاهانه و از سر جهل اتخاذ کرده‌اند. او در کتاب/اخلاق سعی کرده است تا به این تفکر به قول خودش نادرست و خطا آمیز بپردازد.

بنابراین، می‌توان گفت از نظر اسپینوزا سعادت حقیقی بشر در گرو تلاش در شناخت (عقلانی - شهودی) چیزهاست؛ زیرا که این عشق عمیقاً با زندگی (عشق به هستی) درآمیخته است. یعنی برخلاف بسیاری از نگرش‌های غایت‌گرای دینی که سعادت حقیقی را در نفی جسم در این دنیا و چشم داشتن به آزاد شدن روح

---

<sup>۱</sup>-axioms

از بار جسم در آن دنیا می‌دانند، اسپینوزا رویکردی کاملاً اساسی به هستی از هر حیث دارد. انسان آزاد از نظر اسپینوزا کسی است که فقط بر طبق احکام عقل زندگی می‌کند و چیزی را می‌خواهد که مستقیماً خیر است، یعنی خواهان عمل کردن، زیستن و . . . است.

او در تعالیم اخلاقی‌اش هیچ نامی از تعهد یا الزامات اخلاقی به میان نمی‌آورد، زیرا برآن است که پستی آدمی نه معلول اختیار بلکه محصول علل عارض بر ذات شخص مقصر است. برای اصلاح خطا بایسته است که این علل برطرف شود و ذات خود فرد که قوامش به نیروی خرد است، سرچشمه عمل باشد. تنها چنین فعلی اختیاری، فضیلت‌مندانه و مسئولانه است. قانون حاکم بر چنین عملی، خودخواسته و برانگیخته از اجبار درونی خود شخص (در مقام حالتی متناهی) برای صیانت از ذات و از وجود خاص خویش است تا ماهیت خود را به کمال برساند و توانایی حقیقی خود برای عمل را افزایش دهد. در نتیجه اخلاق برای اسپینوزا، نه سرسپردگی در برابر قانونی بیگانه، بلکه تعیین یافتگی بوسیله قانون طبیعت خود فرد است (هریس، ۱۳۸۹، ص. ۳۱).

اسپینوزا، تنها راه اخلاقی زیستن را شناخت درست عواطف از طریق فعالیت عقلانی تلقی می‌نمود. وی اعمال انسان را نتیجه معلومات و تصورات او می‌دانست و بر این اساس معتقد بود، انسان‌ها هنگامی که واجد تصورات تام و حقیقی هستند، از درون موجب‌اند؛ در این حالت، اعمال انسان‌ها صرفاً از اقتضائات طبع آنان نشأت می‌گیرد و انسان‌ها از این حیث آزادند و فعال. اما هنگامی که اعمال آدمی به مقتضای ایجاب درونی او نیست، بلکه متأثر از امور خارجی است، او صاحب تصورات غیر تام خواهد بود و به ناچار اعمالی منفعلانه (البته غیرعقلانی) خواهد داشت (Lioyde, ۱۹۹۹, p.۷).